info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۱۸۸
شنبه ۵/ آذر ۱۴۰۱
۱ / جمادی الاولی / ۱۴۴۴
26 / November / 2022

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۵۸/۲۳
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

قصر فردوس که رضوانش به دربانی رفت
منظری از چمن نزهت درویشان است
آن چه زر می‌شود از پرتو آن قلب سیاه
کیمیاییست که در صحبت درویشان است

این که تو داری قیامتست
نه قامت
وین نه تبسم که معجزست
و کرامت
سعدی

اذان صبح ۰۵:۲۵ | طلوع آفتاب ۰۶:۵۳ | اذان ظهر ۱۱:۵۳ | غروب آفتاب ۱۶:۵۳ | اذان مغرب ۱۷:۱۳

اوقات شرعی فردا

برگه

انسان خوبی باش اما وقتی رو برای اثباتش به دیگران تلف نکن
چارلی چاپلین

## بِرش

### ۱۷ نکته درباره «امید» تک درنای سیبری

«امید» - تک دُرنای سیبری - پرنده‌ای در معرض خطر انقراض از خانواده «کلنگان» است. این درنا پرنده‌ای بزرگ با قدی نزدیک به یک‌نیوبر متر و فاصله دو بال بیش از ۲ متر و وزنی یکدست سفید است که پاهای بلند سرخ‌رنگ دارد و منقار بلند سیاهی روی صورت قرمزرنگ آن نشسته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، «امید» تنها بازمانده از گونه رو به انقراض درناهای سیبری که حالا ۱۵ سال سابقه تنهایی مهاجرت می‌کند و فسال دو روز زودتر از قرار هر ساله (۵ آبان) خودش را به ایران رسانده است. به جهت اهمیت این گونه ارزشمند به ۱۷ نکته از عبداله سالاری - یک کارشناس اکولوژی و مدیریت حیات وحش - اشاره می‌کنیم:

«در دنیا ۱۵ گونه درنا وجود دارد که از این تعداد تنها سه گونه از آن‌ها که شامل درنای خاکستری، درنای طناز و درنای سیبری است به ایران مهاجرت می‌کنند.

«اولین بار در سال ۱۳۵۴، ۱۸ درنای سیبری به ایران وارد شدند.

«سه جمعیت مهاجر از این گونه در دنیا داشتیم. یک جمعیت مرکزی که مقصد نهایی آن‌ها از سیبری به هند بود که این جمعیت بطور کلی از بین رفته‌اند. جمعیت غربی که در ایران زمستان‌گذرانی می‌کند و تنها «امید» از آن‌ها باقی مانده و در نهایت جمعیت شرقی که بیشترین تعداد را در حدود ۳۲۰۰ درنا دارد و مقصد نهایی آن‌ها چین است.

«درنای سیبری گونه‌ای بشدت در معرض خطر انقراض است.

«طول عمر درناهایی که در اسارت نگهداری می‌شوند تا حدود ۷۰ سال تخمین زده شده است اما گونه‌هایی که در طبیعت زندگی می‌کنند بین ۳۵ تا ۴۰ سال عمر می‌کنند.

«بیش از نیمی از عمر امید گذشته است.

«جمعیت غربی درناها - که «امید» از جمله آن‌هاست - از سیبری روسیه به سمت قزاقستان، آذربایجان و در نهایت ایران مهاجرت می‌کنند و برای زمستان گذرانی بسمت ایران همین مسیر را طی می‌کنند.

«آن‌ها در هر مسیر مهاجرت حدود ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ کیلومتر راطی می‌کنند. به عبارتی در مجموع بین ۱۲ تا ۱۴ هزار کیلومتر پرواز می‌کنند. در طول یک روز حدود ۸۰۰ کیلومتر پروازسیس استراحت می‌کنند.

«یکی از خصوصیات درناها نوع همسرگزینی‌شان است که بصورت تک‌همسری است. اگر اتفاقی برای جفت آن‌ها بیفتد بسختی دوباره امکان جفت‌یابی برایشان مهیا می‌شود.

«امید» و «آرزو» با هم به ایران مهاجرت می‌کردند. در سال ۸۶ «آرزو» به دلیلی نامعلوم تلف شد و پس از آن نیز امید جفت‌گیری نکرد و تنها مسیر مهاجرت خود را طی می‌کند. تلاش‌هایی نیز برای جفت‌یابی «امید» با درناهای موجود در شرایط اسارت انجام شد تا بتوانند جمعیت او را دوباره احیا کنند اما موفقیت‌آمیز نبود.

«بصورت طبیعی امکان تداوم نسل «امید» وجود ندارد اما ممکن است دوباره تلاش‌های برای معرفی جفت به این گونه صورت بگیرد و موفقیت آمیز نیز باشد تا بتوانیم نسل او را حفظ کنیم.

«از لحاظ زادآوری، درنای سیبری رشد جمعیت بسیار پایینی دارد و معمولا در یک فصل بیش از دو تخم نمی‌گذارد. دلایل مختلفی مانند پرورش گوزن‌های شمالی در سیبری و تداخل مهاجرت با آن‌ها و سگ‌های نگهبان گوزن‌های شمالی که جوجه‌ها و تخم‌های درناها را می‌خورند مزید بر علت است. همچنین این گونه نیز بصورت طبیعی معمولا از هر دو تخم تنها یکی از آن‌ها به ثمر می‌رسد.

«بر کل طی سالیان دراز رشد جمعیت سالانه درناها حدود ۱۰ درصد بوده است. به عبارتی چنین نرخ رشد پایینی در این گونه‌ها وجود دارد.

«ایران یکی از اصلی‌ترین زیستگاه‌های پرندگان مهاجر زمستان‌گذران است. عواملی مانند تغییر یا از بین رفتن زیستگاه باعث از بین رفتن جمعیت‌ها به‌صورت محلی می‌شود همچنین امکان دارد مسیر مهاجرت خود را تغییر دهند و به ایران مهاجرت نکنند چراکه بدون زیستگاه، غذا و دیگر موارد مورد نیازشان، دلیلی برای حضور در ایران ندارند.

«علت مهاجرت درنای سیبری از روسیه به ایران، سرمای هوا و پیدا نکردن غذا است که به عرض‌های پایین‌تر جغرافیایی مهاجرت می‌کنند تا شرایط محیطی برایشان مساعد شود. پس از آن برای دوران جفت‌گیری، تخم‌گذاری و پرورش جوجه‌ها دوباره به سیبری برمی‌گردند.

«خشکسالی، تغییر اقلیم و تخریب زیستگاه باعث حضور جمعیت کمتری در ایران می‌شود همچنین گونه‌های بومی و محلی خودمان نیز روز به روز در حال افت جمعیت و نزدیک شدن به خطر انقراض هستند.

«اقدامات پژوهشی و تحقیقاتی خوبی می‌توان در این زمینه مانند دیگر کشورها انجام داد. در گذشته پروژه‌ای بین‌المللی بهنام درنای سیبری در ایران در حال انجام بود که متوقف و تعطیل شد. بطور قطع پروژه‌های بین‌المللی، اقدامات پژوهشی و تحقیقات موثر هستند. آن‌ها به شناخت بهتر اکولوژی و بیولوژی درنا، همچنین رفتارشناسی این گونه کمک خواهند کرد تا شاید بتوانیم نسبت به احیای این جمعیت نیز اقدام کنیم.

## گزارش روز

# موج سواری سیاسی با زست دغدغه فرهنگی!

تعدادی مترجم ایرانی اخیراً در حمایت از آنچه خود اعتراضات ایران نامیده‌اند، بیانیه‌ای منتشر کرده‌اند و ضمن تکرار جملاتی که اغلب از رسانه‌های بیگانه شنیده می‌شود، اعلام کرده‌اند که قصد دارند سد سانسور را در ایران بشکنند! اما مشخص نیست که منظور آنها از سانسور دقیقا چیست؟



**به گزارش پیام آشنا** به نقل از ایران، آیا اینکه هر کشوری قوانین خاص خود را برای چاپ آثار دارد، به معنای سانسور است؟ همچنین مشخص نیست که چند نفر از اشخاصی که نامشان در بیانیه آمده، واقعا با بیانیه موافق بوده یا حتی در جریان محتوای بیانیه بوده‌اند؛ چنان‌که پیش از این نیز مسبوق به سابقه بوده است که بیانیه‌هایی از سوی برخی گروه‌ها و اشخاص منتشر شده و زیر آن اسم‌هایی قید گردیده که حتی روح آن اشخاص نیز از ماجرا خبر ندارند و بعدا بیانیه را تکذیب کرده‌اند.

یک نمونه واضح آن درگذشته بیانیه موسوم به بیانیه ۸۰۰ نفر (شامل شاعران، نویسندگان، مترجمان، روزنامه‌نگاران، ناشران، تصویرگران، مروجان، مربیان و دیگر فعالان فرهنگی و هنری حوزه ادبیات کتاب کودک و نوجوان) در برخی رسانه‌ها منتشر شد که به نشر دروغ‌ها و اتهامات واهی علیه جمهوری اسلامی و فراجا پرداخته بود و محمدرضا سرشار نویسنده و پژوهشگر و منتقد ادبی بلافاصله مفصل به این بیانیه داد که در همین روزنامه بخش‌هایی از آن منتشر شد! این جالب‌تر اقدام رسانه‌هایی همچون رادیوفردا و چند رسانه بیگانه دیگر است که عکس‌هایی از نشست‌های کتاب در نزدیکی میدان انقلاب تهران را منتشر کرده‌اند و آنها را کتاب ممنوعه خوانده‌اند! حال آنکه هر آدم عاقلی می‌تواند این سوال را بپرسد که اگر این کتاب‌ها ممنوعه هستند، پس چگونه است که در سطحی چنین گسترده به فروش می‌رسند و هیچ کس هم با آنها برخوردی نمی‌کند! برخی کاربرانی هم که خود را مترجم خوانده‌اند، از این فرصت برای تبلیغ خود استفاده کرده و زیر مطالب منتشره در صفحه‌های اجتماعی، عنوان کرده‌اند که نام ما هم به این بیانیه اضافه کنید و بعد که وارد صفحه آنها می‌شوی می‌بینی که با هیچ مطلبی ندارند یا اصلاً آنها را می‌توان همه چیز حساب کرد غیر از مترجم! کامنت‌هایی با نام‌های نامشخص یا با نام و نام خانوادگی‌هایی که وقتی در سایت کتابخانه ملی ایران جستوجویشان می‌کنیم، می‌بینیم که حتی یک اثر هم ترجمه نکرده‌اند و مشخص نیست که اصلا با چنین سابقه بی‌سابقه‌ای (!) دقیقا با چه چیز بیانیه همراه شده‌اند! ندانما در هرحال اگر از این مسائل بگذریم و اصل رابر صحت بیانیه و اسامی قید شده در آن بگذاریم نکاتی قابل توجه است که در ادامه به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

قبل از هرچیز این نکته جالب است که این مترجمان در بیانیه مشترک خود نوشته‌اند: «ما از امروز کتاب‌هایی را که این سدها [سانسور] سال‌ها مانع رسیدنشان به شهروندان شده‌اند، از هر راهی که بتوانیم بدون سانسور منتشر خواهیم کرد». اما سؤال کلیدی اینجاست که اگر هدف شما آگاهی جامعه بوده و تصور می‌کنید که در تمام طول این چند دهه که به زعم شما سانسور وجود داشته، چرا حالا به این فکر افتاده اید که با آن مبارزه کنید؟ اگر آثاری وجود داشته که تا به حال مانع از انتشار آنها شده‌اند، چرا حالا تصمیم به انتشار آنها گرفته اید؟ پس در تمام طول این سال‌ها به چه دلیل منتشر نکرده بودید؟

تبیین‌شناسی مترجمگی که بیانیه صادر کرده‌اند نیز نکات جالبی را مشخص می‌کند! اول اینکه بخش قابل توجهی از نام‌های ذکر شده ذیل بیانیه اصلا در ایران زندگی نمی‌کنند! برای نمونه سرور کسمایی و داریوش آشوری هر دو در فرانسه زندگی می‌کنند و عباس میلانی نیز ساکن آمریکا است. بخش قابل توجهی از مترجمان، متأثر از جریان‌های چپ هستند و بعضی از آنها همچون بابک احمدی سابقه مبارزه علیه حکومت پهلوی را نیز در کارنامه خود دارند. عباس میلانی در سال ۱۳۵۶ به اتهام عضویت در سازمان‌های کمونیستی، دستگیر شده بود و مراد فرهادپور هم به‌عنوان روشنفکر جریان چپ نو در ایران شناخته می‌شود. بخش دیگری از این مترجمان در دوره‌های مختلف مدافع جریان‌ها و دولت‌های اصلاح‌طلب در کشور بوده‌اند؛ برای نمونه خاتمی دیهیمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به همراه بابک احمدی با انتشار بیانیه‌ای به دفاع از اصلاح‌طلبی در انتخابات پرداخته‌اند. گفتنی است مهدی غبرایی نیز چند سال پیش، رمان‌های «خاکستر و خاک» و «هزارخانه خواب و اختناق» از نویسنده روحی را که اصل آنها به فارسی نوشته شده بود از روی نسخه انگلیسی، دوباره به فارسی ترجمه کرده بود که جنجال‌های زیادی به پا کرد و اعتراض بسیاری را در عرصه ادبیات برانگیخت. توجه به چنین سوابقی از این جهت اهمیت دارد که اولا بدانیم خود این مترجمان با ادبیات‌های متنوع سیاسی‌شان، حمایت از دولت‌های متنوع و ترویج فرهنگ‌های غیربومی و آموزه‌های مارکسیستی در بخشی از وضع موجود امروز سهیم بوده‌اند و ثانیا بدانیم که به چه دلایلی موضع‌گیری امروزشان را بسابقه عملکردی که داشته‌اند متناقض محسوب می‌شود.

قید «از هر راهی بتوانیم» نیز در نوع خود جالب و عجیب آور است! آنها چنان سخن می‌گویند گویی در جزیره‌ای دور افتاده و هیچ امکان ارتباطی برای ارتباط با مخاطبان خود ندارند در حقیقت آنها با استفاده از این عبارت سعی کرده‌اند طوری وانمود کنند که جمهوری اسلامی تمامی راه‌های ارتباطی را بسته و تمام تلاش راهم قلع و قمع کرده است! حال آنکه آنچه این اشخاص ادعا می‌کنند، با اغماض فراوان و در بدترین شرایط نیز حالت، تنها ناظر به جلب کتب از مجاری رسمی و قانونی است؛ در صورتی که فضای شبکه‌های مجازی و اجتماعی در طول این سال‌ها زمینه را برای انتشار هر محتوای ناظر فراهم کرده است تا جایی که ولنگاری این فضا و جولان مطالب غیرصحیح و جعلی و نیز انتشار غیرقانونی فایل برخی از کتب، دائما زحمت آگاهی از جمله برخی از همین اشخاص که از بیانیه حمایت کرده‌اند را هم درآورده است.

نکته دیگری که درباره این بیانیه مطرح است، آن است که اساساً برای نشر یک کتاب، این ناشران هستند که باید تصمیم بگیرند و مترجمان بر اساس قوانین نمی‌توانند بدون اجازه ناشر اقدام به انتشار کتاب خود از مجاری دیگری بکنند؛ مگر اینکه آن کتاب اصلا به هیچ ناشری عرضه نشده باشد و تماماً در اختیار مترجمان باشد؛ پس در اینجا نیز وضعیت پیش می‌آید یا کتاب به ناشر عرضه شده و مراحل چاپ را طی کرده و در فرآیند چاپ سانسور شده یا از چاپ آن جلوگیری شده است که در این صورت ناشر باید نسبت به چاپ آن از روش‌های دیگر اقدام کند. وضعیت نوم آن است که کتاب اصلاً به ناشر عرضه نشده و در فرایند چاپ قرار نگرفته است که در این صورت باید پرسید که اصلا مترجم از کجا تشخیص داده که کتاب قرار است سانسور شود یا از چاپ آن جلوگیری شود؟

سؤال دیگری که از این مترجمان باید پرسید، آن است که مگر تاکنون منعی وجود داشته که بخش‌های سانسور شده یا کل اثری را که ادعا می‌کنید قربانی سانسور شده، از روش‌های دیگر منتشر کنید؟ از ورود شبکه‌های اجتماعی به ایران سال‌های زیادی می‌گذرد و پرکاربردترین آن یعنی تلگرام از سال ۱۳۹۲ در ایران فعال بوده است. اگر قصد آگاهی جامعه یا به اصطلاح خود، مبارزه با سانسور را داشته اید، چرا از همان سال‌ها اقدام به انتشار کتب یا مطالب مورد نظر خود نکرده اید؟ آیا پاسخی غیر از این می‌توان یافت که به دنبال منفعت شخصی بوده اید و حالا که تنور کسب شهرت و اعتبار از وضعیت جامعه را داغ دیده اید، سعی دارید از این طریق نیز برای خودچهره‌ای کسب کنید؟

اگر تنه به حال تن به ره‌های فلونی داده‌اید و کتب خود را از طریق فرانسه‌های فلونی منتشر کرده‌اید، پس از چه چیز شکایت دارید؟ اگر به قول خودتان بسته راه دیده‌اید، پس چرا باز هم اقدام به انتشار آثار خود از این طریق کرده‌اید؟ پس از پرداختن به این مسائل، به نظر می‌رسد بیانیه‌ای که منتشر شده، در صورت صحت، بیشتر یک موج سواری سیاسی و بر اساس منافع شخصی بوده تا یک اقدام اعتراضی و جدی؛ در هر صورت اسامی که ذیل بیانیه ذکر شده‌اند، بهتر است برای صحت ادعای خود در سریع‌ترین زمان ممکن کتاب‌هایی را که سانسور شده خوانده‌اند، در فضای مجازی منتشر کنند تا لااقل صحت ادعای آنها بر مخاطبان مکشوف گردد و تلاسی مسیر را برای آنچه خود آگاهسازی جامعه(!) می‌نامند، هموار سازند. البته این نکته هم روشن است که چنین اقدامی قبل از هرچیز به خود بازار کتاب و اهالی فرهنگ و هنر آسیب می‌زند تا مخاطبان؛ زیرا در این صورت مخاطبان می‌توانند کتاب‌های مورد نظر خود را با قیمتی بسیار کمتر و حتی رایگان تهیه کنند و البته زمینه برای سوءجویی برخی مفتخوران و سارقان فرهنگ نیز فراهم خواهد بود. اما به هرحال به نظر می‌رسد اکنون کسانی که این بیانیه را خوانده‌اند، منتظرند ببینند که فرا است چه اقدام مثلاً‌جدی صورت گیرد تا ادعای این عده که قصد حمایت از گروه موسوم به معترضان را دارند، راستی‌آزمایی شود؟!

## مکث

# از کارت ملی اجاره‌ای تا خرید شراکتی

در آخرین عرضه فیدلیتی و دیگنیتی در بورس کالا، تنها در چهار ساعت جاوی یک رقت ۲۲۶ میلیارد تومانی گرفته شد. اما جریان دلالی خودرو آرام نگرفته و همچنان به دنبال منافق جدید سودجویی در بازار خودرو است.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از شرق، این جریان یا دو راهبرد در برابر فروش خودرو در بورس کالا سنگ‌اندازی می‌کند. جریان سودجوی بازار خودرو با حمایت رسانه‌ای از طرح‌های قرعه‌کشی به پهانه‌های «حمایت از جوانی جمعیت» و «جایگزینی خودروهای فرسوده» و همین طور مخالفت با عرضه خودروهای پرتیراژ به بورس کالا، خواهان حفظ منافع خود هستند. این جریان با هر ترفندی به دنبال کسب سود یکشبه است. آنها کارت ملی و کارت خودروی صاحبان شرایط را اجاره می‌کنند یا مبلغ خرید خودرو را به صورت شراکتی تأمین می‌کنند تا این سود بالا‌آورده از دست نرود.

بازار قرعه‌کشی برای دلال‌ها همچنان جذاب است و بالعکس عرضه تعداد محدودی خودروی دیگینی و فیدلیتی در بورس کالا دست آنها را از یک سود ۲۲۶ میلیاردی کوتاه کرده است. این آمار و ارقام به طور واضح روشن می‌کند چرا عده‌ای همچنان با عرضه خودروهای پرطرفدار در بورس کالا مخالفت می‌کنند و چرا پیش از این نیز مقیاس دلال‌های بازار خودرو بارها مانع اجرای تمام و کمال عرضه خودروهای پرتیراژ در بورس کالا شده‌اند.

### قرعه‌کشی جایگزینی خودروهای فرسوده، بهانه‌ای برای سودجویی

الزام خودروسازان به عرضه بخشی از تولید خود در طرح قرعه‌کشی جایگزینی خودروهای فرسوده، در عمل بهانه‌ای برای سودجویان و دلال‌ها شده است. به احتمال زیاد طراحان این ایده به دنبال اعطای مشوق به صاحبان خودروهای فرسوده برای تعویض خودروی‌شان بوده‌اند اما در عمل بعید به نظر می‌رسد شهروندی حدود ۹۰۰ میلیون تومان پول پس‌انداز داشته باشد تا نکنون موفق به تعویض خودروی فرسوده خود نشده باشد. این طرح در میدان اجرا باعث شد در همه اول بازاری برای معامله خودروهای فرسوده ایجاد شود تا دلال‌ها شانس خود را امتحان کنند و در مرتبه دوم، بسیاری از صاحبان خودروهای فرسوده که ثروتمند هستند و سال‌ها خودروی آنها گوشه پارکینگ خانه یا ویلای‌شان خاک می‌خورده است، اکنون شانس کسب چندصدمیلیونی پیدا کرده‌اند اما تمامی آنها در یک نقطه اشتراک دارند: هیچ‌کدام از آنها مشتری واقعی نیستند و تنها بازار دلال‌ها را داغ می‌کنند.

طرح «حمایت از جوانی جمعیت» نیز یک روش دلال‌پرور است. دولت اگر خواهان تشویق فرزندآوری است، می‌تواند به صورت مستقیم تسهیلات تشویقی اعطا کند و نیازی نیست خودروسازی‌ها واسطه تسهیلات تشویقی به مادران دارای دو فرزند و بیشتر باشند. مأموریت خودروسازان، ساخت خودروی باکیفیت است و مأموریت دهه‌ها دیگر اجرای سیاست‌های جمعیتی. اکنون با این الزام بازار صمت، مادران دارای شرایط برای خرید، تبدیل به منبع رانت شده‌اند و حتی کارت ملی آنها در اصطلاح خرید و فروش می‌شود تا دلال‌ها در عرض چند ساعت به‌سودی چندصدمیلیونی دست پیدا کنند و سهم ناچیزی هم به صاحب کارت ملی می‌رسد. در طرح حمایت از جوانی جمعیت نیز آشکارا بسیاری از مادران شرکت‌کننده در این طرح، مصرف‌کننده واقعی خودرو نیستند و با خرید دلال این طرح را به فروش می‌رسانند.

## اشاره

# تردید در مورد مزیت کلسترول خوب HDL برای حفظ سلامت قلب

نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد میزان HDL خون، نوع مشهور کلسترول خوب، ممکن است تفاوت بزرگی در سلامت قلب ایجاد نکند.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از مدیسن نت، این مطالعه بر روی حدود ۲۴۰۰۰ بزرگسال نشان داد که سطح پایین HDL با ریسک بالاتر حمله قلبی مرتبط است.

اما میزان بالا HDL که به عنوان دوستدار قلب تعریف می‌شود، هیچ تفاوتی در خطرات قلبی برای بزرگسالان ایجاد نکرد.

محققان دانشگاه بهداشت و علوم اورگن گفتند که این یافته‌ها بر ارزیابی مجدد نحوه استفاده از HDL برای پیش‌بینی خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی تأکید دارند.

اگر HDL زیر ۴۰ میلی گرم در دسی لیتر برای مردان یا ۵۰ میلی گرم در دسی لیتر برای زنان باشد، بسیار کم در نظر گرفته می‌شود. مقادیر بین این اعداد و ۵۹ میلی گرم در دسی لیتر عادی تلقی می‌شود، اما ۶۰ یا بالاتر از آن "مطلوب" است.

این مطالعه شامل ۲۳۹۰۱ بزرگسال ایالات متحده در سن ۴۵ سال و بالاتر بود که در ابتدا عاری از بیماری قلبی عروق کرونر بودند.

طی یک دهه بعد، بیش از ۱۶۰۰ نفر دچار حمله قلبی شدند یا در آبیماری عروق کرونر قلبی درگذشتند.

پزشکان در تخمین خطر ابتلاء به بیماری‌های قلبی در ۱۰ سال آینده از HDL به همراه سایر عوامل خطر مانند فشار خون بالا و LDL بالا استفاده می‌کنند و این نتایج می‌تواند آنها را به راهکارهای درمانی نظیر تجویز استاتین سوق دهد.




## رسانه چه خبر

### داروی بیهوشی «کتامین» ایرانی وارد بازار شد

**روابط عمومی گروه دارویی تأمین (تیپیکو):** مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری دارویی تأمین (تیپیکو) از بومی سازی و تولید داروی بیهوشی کتامین ایرانی در یکی از شرکت‌های زیر مجموعه این هولدینگ دارویی خبر داد. منصور تکوئی نیا در مورد برنامه‌ریزی برای تأمین داروهای مورد نیاز داخل با استفاده از ظرفیت‌های بومی، اظهار کرد: خط تولید داروی بیهوشی کتامین در شرکت داروی اکسیر بروجرد راه اندازی شده و این قزوید این خط تولیدی با پیگیری و تلاش متخصصان داخلی راه‌اندازی شده است و در حال حاضر ۲۰ هزار ویال از داروی تولیدی در مرحله تست وارد بازار شده است. مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری دارویی تأمین با بیان اینکه ۲۰ هزار ویال دیگر از داروی کتامین ایرانی در حال حاضر تولید و آماده ورانه به مراکز بیمارستانی و درمانی است گفت: این دارو برای نخستین بار در ایران تولید و روانه بازار شده است و دانشمندان ایرانی این دارو را بومی سازی کردند، تکوئی نیا بیان اینکه این شرکت توانایی تأمین تمام محصول مورد نیاز کشور برای نیاز داخل را دارد، تصریح کرد: این خط توانایی تولید یک ونیم میلیون ویال کتامین را دارد و محدودیتی در تولید این دارو وجود ندارد. وی با بیان اینکه تلاش ما تولید داروهای مورد نیاز داخلی است و در این راه تمام ظرفیت‌های موجود را به کار گرفته‌ایم، عنوان کرد: موفقیت‌های مهمی در حوزه تولید داروی مورد نیاز در شرکت‌های زیر مجموعه شرکت سرمایه گذاری دارویی تأمین به دست آمده که به زودی به اطلاع مردم می‌رسد.

### واردات داروهای بیهوشی نامحدود خواهد بود

**مهر:** رئیس سازمان غذا و دارو گفت: برخی کشورها به علت تحریم به ایران دارو نمی‌دهند که تأمین بخشی از آنها به مذاکرات بین‌المللی نیاز دارد. حیدر محمدی، پس از نشست کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، اظهار کرد: اجازه ادایم از واردات این داروها را نامحدود کردیم. رئیس سازمان غذا و دارو اضافه کرد: ظرف چند روز گذشته بیش از ۵۰۰ هزار داروی بیهوشی در مراکز درمانی کشور توزیع شد و تا پایان سال صادر کننده نرسیم. وی، محمدی، با بیان اینکه ۱۲ واردکننده مشکل آنتی بیوتیک حل می‌شود، گفت: شرکت‌های داروسازی و صنعت کشور بیش بینی این افزایش نیاز را برای تأمین آنتی بیوتیک نمی‌کردند. رئیس سازمان غذا و دارو اظهار داشت: با این حل آنتی بیوتیک‌ها، شیفت در حال تولید است و تا اواخر هفته دی سقف ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار عدد وارد کشور می‌شود. پیش‌تر هم حدود ۵۰ تن آنتی بیوتیک خوراکی وارد شده بود. محمدی گفت: پارسال بیش از ۹۸ درصد داروها در داخل کشور تولید شد و به تدریج وارد را محدود می‌کنیم. برای تولید داروی نیازمند حمایت وزارت صمت و واردات تجهیزات هستیم. اخیرا هم مصوباتی داشتیم که با حذف تعرفه واردات، از تأمین تجهیزات تولید دارو حمایت شود.

### توده‌های خوش خیم ریسک ابتلا به سرطان سینه را افزایش می‌دهند

**هلث دی نیوز:** بسیاری از زنان در سینه خود وجود توده را احساس می‌کنند یا نتیجه غیرطبیعی را در یک ماموگرافی غیرالگری دریافت می‌کنند که به نظر می‌رسد کیست یا نوع دیگری از رشد غیرسرطانی است. تحقیقات جدیدنشان می‌دهد در حالی که این توده‌ها ممکن است سرطان نمی‌شوند، اما وجود آنها ممکن است خطر ابتلا به سرطان سینه را افزایش دهد. محققان اسپانیایی گزارش دادند زنانی که دارای شرایط خوش خیم پستان مانند کیست و فیبرونوما هستند، تقریبا دو برابر با احتمال ابتلا به سرطان سینه در ۲۰ سال آینده روبرو هستند. «مارتا رومن» سرپرست تیم تحقیق از بیمارستان دلمار بارسلونا، می‌گوید: «یافته های جدید باید زنان دارای ضایعات خوش خیم سینه را برای شرکت در برنامه‌های غربالگری سرطان سینه تشویق کند زیرا در معرض خطر بیشتری قرار دارند و ممکن است از درجه بالاتری از تشخیص زودرس سرطان پستان بهره‌مند نشوند.» انجمن سرطان آمریکا پیشنهاد می‌کند که زنان بین ۴۵ تا ۵۴ سال هر سال ماموگرافی انجام دهند. پس از آن، زنان مسن‌تر می‌توانند یک سال در میان غربالگری سالانه را ادامه دهند. رومن گفت: «ضایعات خوش خیم سینه ممکن است عوامل خطر سرطان سینه باشند.» وی افزود: «این ضایعه‌های خوش خیم در طول زمان به سرطان سینه تبدیل نمی‌شوند، بلکه آنها شانگر افزایش احتمال ابتلا به سرطان سینه در آینده هستند.» این احتمال در اثر افزایش بافت سینه و سلول‌های خاصی در سینه ایجاد می‌شود و هر چه بافت و سلول بیشتر باشد، احتمال ایجاد ناهنجاری هایی که ممکن است بعدا به سرطان تبدیل شوند، بیشتر می‌شود.

